

شرق روزنامه

دریچه

ششمین جشنواره فیلم مستقل «خورشید» در شهریور سال جاری برگزار خواهد شد

ششمین جشنواره فیلم مستقل «خورشید» با توجه به نزدیکی ایام انتخابات و نزدیکی ماه مبارک رمضان و نیز درنظرگرفتن شرایط جوی مناسب برای لزوم میزبانی شایسته از مهمانان جشنواره، در روزهای ۲۰ تا ۲۴ شهریور سال جاری برگزار خواهد شد.

ششمین جشنواره فیلم مستقل «خورشید» به دبیری «مهدی یارمحمدی» با موضوع آزاد و با پیام احترام به انسان و طبیعت، در بخش‌های مختلف ازجمله: بخش رقابتی «فیلم‌های مستقل تجربه‌گرا»، بخش رقابتی «زیباترین رؤیاها» (ویژه فیلم‌های مرتبط با هرمزگان و فیلم‌سازان هرمزگانی)، بخش رقابتی مقاله سینمای تجربه‌گرا، بخش «بین‌الملل» شامل: «مروری بر بهترین فیلم‌های کوتاه تجربی جهان در جشنواره کن ۲۰۱۶» و «مروری بر فیلم‌های کوتاه تجربی تاریخ سینمای جهان» از ۲۰ تا ۲۴ شهریور سال جاری در شهر بندرعباس، مرکز استان هرمزگان، برگزار می‌شود.

جشنواره فیلم مستقل «خورشید» به‌عنوان رویداد ویژه سینمای مستقل تجربه‌گرا در کشور به منظور حمایت از سینمای مستقل با ساختار تجربه‌گرا و خلاقانه و تأکید بر ضرورت گسترش تولید این آثار ارزشمند و معرفی این سینما به‌عنوان سینمای مبتنی بر اندیشه و خلاقیت، به همت پایگاه حمایت از فیلم کوتاه مستقل برگزار می‌شود و در پنج دوره پیشین خود توانسته است نقش و جایگاه مؤثری در شناسایی و معرفی فیلم‌سازان مستعد و خلاق این عرصه و فیلم‌های موفق آنان به جامعه بین‌المللی داشته باشد.

گسترش و ارزش‌گذاری به فیلم‌های مستقل تجربه‌گرا با رویکردی خلاق، پیشرو، خردگرا و هنری، تأکید بر ضرورت گسترش تولید آثار ارزشمند تجربه‌گرا و خلاق در سینمای ایران و معرفی این سینما به‌عنوان سینمای مؤثر و جریان‌ساز ایرانی به جامعه بین‌المللی، ترغیب و گسترش مشارکت بخش خصوصی در تولید آثار مستقل و تجربه‌گرا، شناسایی و حمایت از بهترین تولیدات مستقل و تجربه‌گرا و معرفی این آثار به جامعه بین‌المللی، فرهنگ‌سازی و حمایت از تولید آثار با موضوع احترام به انسان، جهان و ارزش‌های عمیق انسانی، فرهنگ‌سازی و حمایت از تولید آثار با موضوع احترام به طبیعت و محیط زیست با تمرکز بر استان هرمزگان، افزایش سطح فنی و کیفی تولیدات فیلم‌سازان کشور براساس استانداردهای بین‌المللی و همچنین حمایت از تولید آثار برگزیدگان جشنواره، از مهم‌ترین اهداف جشنواره فیلم مستقل خورشید هستند.



نمایش ۸ فیلم در هفته فیلم فرانسه در تهران

شرق: هفته فیلم فرانسه امروز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت در سالن تک موزه هنرهای معاصر تهران پایان می‌یابد. بنا به گزارش روابط عمومی موزه هنرهای معاصر تهران، در این هفته فیلم که با عنوان «فرزندان آزاد سینما» برگزار می‌شود، آثاری از هفت سینماگر فرانسوی از جمله لئو ژان ویکو، فرانسوا تروفو، روبر برسون، موریس پیلاد، آنیس واردا، کلر دنی و نیکولا فیلیبر به نمایش درآمد.

شایان ذکر است که شخصیت کودک، شخصیت محوری هر

هفت فیلم است و فیلم «خانه دوست کجاست»، ساخته عباس

کیارستمی نیز در کنار این آثار فرانسوی نمایش داده شد تا عنصری باشد برای پیوندزدن سینمای ایران و سینمای فرانسه در این هفته فیلم.

انتخاب فیلم‌ها از سوی ژان میشل فرودون، سردبیر سابق کایه دو سینما، انجام شده است. این منتقد سرشناس فرانسوی در این برنامه در سینما تک حضور خواهد داشت و بعد از نمایش هر فیلم، به نقد و بررسی آن می‌پردازد. فرودون به مناسبت این هفته فیلم اقدام به تدوین مجموعه یادداشت‌های تحلیلی درباره فیلم‌ها کرده است که در قالب کتابچه راهنما در اختیار حاضران قرار خواهد گرفت. در هفته فیلم فرانسه این فیلم‌ها نمایش داده شد: روز چهارشنبه ششم اردیبهشت ساعت ۱۷:۳۰، فیلم «نمره اخلاق صفر» (ژان ویکو)، روز پنجشنبه هفتم اردیبهشت ساعت ۱۷:۳۰، فیلم «کودکی گریان» (موریس پیلاد)، روز شنبه ۹ اردیبهشت ساعت ۱۵، فیلم «چهارصد صریه» (فرانسوا تروفو) و ساعت ۱۷، فیلم «ژاکوی ناتتی» (آنیس واردا)، روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ساعت ۱۵، فیلم «موش‌ت» (روبر برسون) پخش شده و و ساعت ۱۷، فیلم «شکلات» (کلر دنی) امروز ساعت ۱۵فیلم «خانه دوست کجاست» (عباس کیارستمی) و ساعت ۱۷ فیلم «بودن و داشتن» (نیکولا فیلیبر) به نمایش درمی‌آید.



گالری گردی

درخت‌های «اسماعیلی» به گلستان رفت

شرق: کالری گلستان از هشتم تا ۱۳ اردیبهشت میزبان مجموعه جدیدی از نقاشی‌های علیرضا اسماعیلی با موضوع درخت شده است. این دومین مجموعه از درخت‌های اسماعیلی است که در سال‌های اخیر در کالری گلستان در معرض دید علاقه‌مندان گذاشته شده. یکی از درخت‌های این مجموعه به عباس کیارستمی تقدیم شده است. علیرضا اسماعیلی گفت: سال‌هاست که روی درخت کار می‌کنم و درخت‌ها در ابتدا با اتودهای کوچک باستل و مدادرنگی روی مقوا آغاز شد. پس از این اتودها اثر بزرگ‌تری را کار کردم که رنگ‌روغن و اکریلیک روی بوم هستند و در مجموعه اخیرم نیز ابعاد آثارم بزرگ‌تر شده است.

او درباره انتخاب درخت به‌عنوان موضوع اصلی آثارش در سال‌های اخیر گفت: من به درخت علاقه‌مندم. درخت نماد هماهنگی زمین است و فرم آن نیز واقعا دوست‌داشتنی است. من معتقدم هر درختی در وزش باد صدای خاص خود را دارد و اگر مخاطب دقت کند صدای این موسیقی را در این نقاشی‌ها نیز می‌شنود.

اسماعیلی گفت: در این مجموعه ۲۵ نقاشی با تکنیک پاستل روی مقوا و میکس‌مدیا (اکریلیک و نگ‌روغن) روی بوم در معرض دید مخاطبان گذاشته می‌شود. ابعاد آثاری که در این نمایشگاه در معرض دید مخاطبان قرار می‌گیرد، متفاوت است و تفاوت آثار این مجموعه در مقایسه با آثاری که چندسال پیش در کالری گلستان

به نمایش گذاشتم، نمود بیشتر نگاه مینی‌مالیستی است و کارها بیشتر به سمت انتزاعی‌شدن گرایش پیدا کرده‌اند. اما در این مجموعه همچنان شاهد حضور موسیقی، رنگ‌های زنده و حرکت هستیم.

این نقاش درباره تک‌درختی که در این نمایشگاه به‌عباس کیارستمی تقدیم شده، گفت: عباس کیارستمی از جمله هنرمندانی بود که درخت برایش اهمیت ویژه‌ای داشت و در آثارش همواره درختان حضور داشتند. من در این مجموعه تک‌درختی را به یاد او کشیده‌ام؛ درختی که در حالت پرواز است. کیارستمی از جمله هنرمندانی بود که آثارم را دنبال می‌کرد و در دومین نمایشگاهی که در سال‌های دور در کالری گلستان برپا کردم، دو نقاشی فیگوراتیو از نمایشگاهم خرید.

علیرضا اسماعیلی، نقاش و گرافیست، نویسنده و شاعر متولد ۱۳۳۶ تهران و دانش‌آموخته رشته گرافیک از دانشکده هنرهای تربیتی است. او نقاشی را به شکل جدی دوران دانشکده و زیر نظر بهمن بروجنی آغاز کرد و در کنار نقاشی در رشته گرافیک فعالیت حرفه‌ای خود را دنبال کرده است. اسماعیلی یکی از نخستین هنرمندان کالری گلستان به‌شمار می‌رود که در سال ۱۳۶۹ از سوی این گالری به جامعه هنری معرفی و اتفاقا نمایشگاه او با اقبال خوبی از سوی جامعه هنری روبه‌رو شد. اسماعیلی از فاصله سال‌های ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۹ شش نمایشگاه انفرادی در کالری گلستان و پس از آن نمایشگاه‌هایی در گالری آریا، سیحون و دی برپا کرده است. آثار این هنرمند در بیش از ۲۳ نمایشگاه گروهی و بی‌نیال‌های معتبر طراحی، نقاشی و گرافیک در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است.

گالری گلستان تا سیزدهم اردیبهشت میزبان درخت‌های اسماعیلی است. کالری گلستان در دروس، خیابان کماسایی، شماره ۲۴ واقع شده است.



تام هاردی در صحنه‌ای از سریال

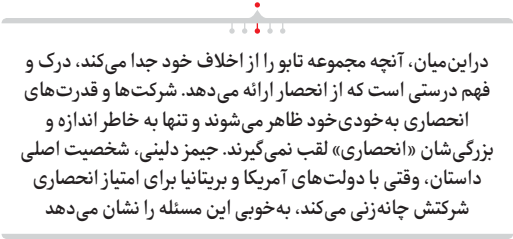
سریال «تابو»، **معجونی از سیاست، اقتصاد و عشق**

تصویر واقع گرایانه از انحصار

تام هاردی در صحنه‌ای از سریال «تابو»

رابطه‌ای عاشقانه که به نظر عنوان مجموعه نیز می‌تواند از آن گرفته شده باشد. مجموعه تابو به نظر روایت و پیرنگ ساده و سراسرتی دارد، بااین‌حال تماشای آن به‌هیچ‌عنوان کار آسانی نبوده و نیازمند توجه و تمرکز شدید برای پیگیری و ردگیری ارجاعات تاریخی، شخصیت‌های متعدد و خطوط داستانی پیچیده است. به‌عبارت‌دیگر، در پس داستان دلینی، داستان‌های فرعی دیگری ازجمله درباره رابطه دولت بریتانیا با آمریکا در جنگ سال ۱۸۱۲ و تجارت برده در جریان است. البته شخصیت دلینی با بازی چشمگیر هاردی نیز آن‌قدر جذاب و گیرا از کار درآمده که می‌تواند به‌تنهایی شما را با این مجموعه همراه کند. بااین‌حال آنچه این مجموعه را نسبت به سایر سریال‌ها، متفکرانه و خاص‌تر می‌کند، مضمون تقابل میان کسب‌وکار و اخلاقیات فردی است و این ایده که گاهی اوقات آدم‌های عجیب‌وغریب، نه احق، بلکه افرادی هستند که فقط بیشتر می‌دانند.

اگر بخواهم واضح‌تر بگویم، این سریال نه داستانی درباره اتفاقات عجیب‌وغریب و جالب بازار آزاد، بلکه درباره شرارت‌ها و خیانت‌هایی است که افراد برای سود تجاری و منافع شخصی مرتکب می‌شوند. از این لحاظ، این سریال تصویری بسیار واقع‌گرایانه از انحصار در سطحی کوچک ارائه می‌کند. درحالی‌که داستان سریال در سال‌ها پیش می‌گذرد، بااین‌حال سعی شده تا ارتباطی با شکل انحصار در فرهنگ عامه و الگوهای اقتصادی غیرواقع‌گرایانه رقابت امروز نیز ایجاد شود. از این نظر، این مجموعه با اعلام اینکه انحصار امتیاز ویژه‌ای است که دولت اعطا می‌کند، از یک امر ممنوعه (تابو) در فرهنگ عامه تخطی می‌کند.



دراین‌میان، آنچه مجموعه تابو را از اخلاف خود جدا می‌کند، درک و فهم درستی است که از انحصار ارائه می‌دهد. شرکت‌ها و قدرت‌های انحصاری به‌خودی‌خود ظاهر می‌شوند و تنها به خاطر اندازه و بزرگی‌شان بزرگی‌شان «انحصاری» لقب نمی‌گیرند. **جیمز دلینی**، **شخصیت اصلی داستان**، **وقتی با دولت‌های آمریکا و بریتانیا برای امتیاز انحصاری شرکش چانه‌زنی می‌کند**، به‌خوبی این مسئله را نشان می‌دهد

البته چنین نگرشی به انحصار مسئله جدیدی نیست. این اصطلاح از مدت‌ها پیش به معنای اعطای حقوقی ویژه و اختصاصی به منظور تولید و دادوستد کالاهای خاص در مناطق خاص بوده است. حکمرانان تاریخی به حمایت از شرکت‌هایی خاص برمی‌خاستند؛ مسئله‌ای که به‌نوبه خود آتش رقابت بر سر امتیازات سیاسی را برافروخته‌تر می‌کرد و دود این آتش در نهایت در چشم هیچ‌کس جز مردم نمی‌رفت. به‌عبارت‌دیگر، انحصار حُکم ممانعی قانونی برای ورود به یک عرصه خاص را داشته و دارد. البته تعریف انحصار به این سادگی نیست، بلکه نشان می‌دهد این اصطلاح در تاریخ اقتصادی چه معنا و مفهومی داشته است.

متأسفانه این درک از انحصار در دنیای هنر به دست فراموشی سپرده می‌شود. در فرهنگ عامه، انحصار در این معنا، موضوع ممنوعه‌ای نیست. درواقع، انحصار در همه‌جا حضور دارد. مشکل اینجاست که هنر پاپ از یکی از این دو مسئله رنج می‌برد: هنر پاپ یا چیزهایی را انحصار می‌خواند که انحصار نیستند یا انحصار را بدون درک و فهمی عمیق و دقیق از آن، به تصویر می‌کشد. مشکل اول به مقوله «شرکت پلید» مربوط می‌شود. برای بسیاری از افراد، یک شرکت بزرگ که رقبای چندانی ندارد، خواه‌ناخواه یک شرکت انحصاری است. سریال‌های معدودی هستند که نشان دهند، این



ترجمه هادی آذری: مجموعه تلویزیونی «تابو» یک سریال بریتانیایی با روایتی از سال ۱۸۱۳ و داستان شخصیتی به نام جیمز دلینی با بازی تام هاردی است که بعد از گذران ۱۰ سال زندگی در آفریقا، به‌همراه ۱۴ الماسی که به دست آورده، به لندن بازمی‌گردد تا بیشتر درباره کسب‌وکار به‌ارت‌مانده از پدرش بداند و به دنبال انتقام قتل وی برود. او با ممانعت از فروش کسب‌وکار خانوادگی خودشان به کمپانی هند شرقی تصمیم می‌گیرد امپراتوری خریدوفروش خودش را بسازد درحالی‌که با این کار خود را وارد بازی خطرناکی میان دو کشور آمریکا و بریتانیا می‌کند. در ادامه نگاهی به این مجموعه تلویزیونی خواهیم داشت:

تابو همان داستان تاریک و تأمل‌برانگیز تجار مرموز و وحشی چایی است که همیشه انتظارش را داشتید اما این سریال یک ویژگی خاص دیگر نیز دارد: یک سریال تلویزیونی که گذشته از داستان و شخصیت‌های جذاب و سرگرم‌کننده، با نفوذ به لایه‌های زیرین سیاسی– اجتماعی، سازوکار اقتصاد انحصاری را به‌خوبی درک و تصویر می‌کند. داستان سریال که در سال ۱۸۱۴ میلادی می‌گذرد، حول مناقشات سیاسی پیرامون انحصارات تجاری می‌گردد. بحث بر سر مسائل کلان است (مثلا تمام چای چین) و دولت‌ها حاضرند به هر روش و وسیله‌ای برای تسلط به این بازار عظیم متوسل شوند. در قلب و مرکز این درام، کمپانی هند شرقی قرار داد؛ یعنی همان نمونه اعلا و کلاسیک یک شرکت انحصاری.

همه‌چیز وقتی شروع می‌شود که جیمز دلینی (با بازی تام هاردی) به انگلستان بازمی‌گردد؛ آن هم در شرایطی که همه فکر می‌کردند او ۱۰ سال پیش در حادثه غرق شدن یک کشتی بردگان در یکی از سواحل آفریقایی کشته شده است. باوجود تمام نکات مرموزی که درباره او وجود دارد، یک چیز مشخص است: او دیگر آن جوانی نیست که در سال ۱۸۰۴ لندن را ترک کرد. او حالا انسانی خشن و مشوش است که بعضا با لحن بومیان آفریقایی حرف می‌زند؛ امری که مردمان نژاده‌راس لندن اشرافی را به‌شدت می‌ترساند. برای پرده‌برداشتن از رازورم‌های ناپدیدشدنش که مسائلی چون تجارت برده، اسرار پنهان خانوادگی و فساد شرکی را دربر می‌گیرد، باید به دل تاریکی‌ها سفر کرد. در قسمت‌های نخست سریال دلینی را در خدمت کمپانی هند شرقی و مشغول تجارت برده می‌بینیم، اما بعدها متوجه می‌شویم که او این شرکت را ترک و تلاش می‌کند با ساختن امپراتوری خود از آن انتقام بگیرد. اما آیا این حس انتقام به خاطر رنج و ترس‌ای است که در کشتی بردگان تجربه کرده است؟ این چیزی است که پاسخ مشخصی به آن داده نمی‌شود، ولی گاهی او را می‌بینیم که جسد‌های بردگان را در خواب می‌بیند. علاوه‌براین، رفتار عجیب، لحن آفریقایی– خالکوبی‌ها و زخم‌هایش چندان سنخیتی با یک نجیب‌زاده محترم ندارد. شایعاتی درباره او دهان‌به‌دهان می‌چرخد که او مدتی را با وحشی‌ها زندگی کرده و حتی به یک آدم‌خوار بدل شده است. اتهامی که به نظر در یک صحنه درگیری بر آن صحنه گذاشته می‌شود.

این سریال که ازسوی ردلی اسکات، کارگردان برنده جایزه اسکار تهیه شده، شماری از بازیگران مستعد بریتانیایی را به خدمت گرفته که تعدادی‌شان را در سریال «بازی تاج‌وتخت» دیده‌اید؛ از آن جمله می‌توان به جاناتا پرایس، دیوید هیمن، نیکولاس وودسن و راجر اشتون گریفیث اشاره کرد. این سریال همچنین دومین تجربه کاری مشترک استیون کینگ در مقام خالق اثر و تام هاردی در مقام بازیگر است که پیش‌تر در مجموعه «پیکي بلایندرز» همکاری موقفی را رقم زدند. برای هاردی به نظر نقش دلینی به‌نوعی ادامه شخصیت قاتل و جانی جان فیتز‌جرالد در فیلم «از مرگ برگشته» (به کارگردانی ایناریتو) است که به شخصیت بیل استیکس در فیلم «الیور تویست» شانه می‌زند. بااین‌حال، هاردی در آن کت و شلوار و کلاه سیاه، در نگاه اول، مردی متمدن و بافرهنگ‌تر به نظر می‌رسد که حالا و پس از مرگ پدرش به تنها وارث تجارت کشتی‌رانی خانوادگی‌شان در شمال‌غرب اقیانوس آرام بدل شده است. بااین‌حال، آنچه او به ارث می‌برد دقیقا همان چیزی است که کمپانی قدرتمند و عظیم هند شرقی خواستار آن است. رئیس این شرکت کشتی‌رانی فاسد یعنی سراسناتور استرنج (با بازی پرایس) از هیچ اقدامی برای تصاحب مایملک ولینی فروگذار نمی‌کند. این در حالی است که خواهر ناتنی دلینی یعنی زیلفا (با بازی اونا چاپلین) نیز در سر نقشه‌هایی را برای دارایی‌ها و مایملک پدری‌شان می‌پروارد. البته در ادامه مشخص می‌شود که رابطه دلینی و خواهر ناتنی‌اش بیشتر از یک رابطه ساده خانوادگی است؛